

نقش و مسئولیت مراکز پایاپای در تراکنش‌های الکترونیکی وجوه

محبوبه عبدالهی^۱

چکیده

تراکنش الکترونیکی وجوه به معنی انتقال وجهی است که دست کم یک مرحله از عملیات آن به صورت الکترونیکی انجام شود. در این نوع تراکنش‌ها اگرچه مشتری، انجام تراکنش را مستقیماً از بانک انتقال‌دهنده درخواست می‌کند اما بخشی از عملیات تراکنش توسط مرکز پایاپای یا بانک واسط انجام می‌شود. این مرکز به ظاهر رابطه مستقیمی با مشتری ندارد از این رو این سؤال مطرح می‌شود که در صورت استناد خسارت به عملیات این مرکز، آیا وی در مقابل مشتری مسئولیت دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد مسئولیت مرکز پایاپای در مقابل مشتری نوعی مسئولیت حرفه‌ای است که آن را «مسئولیت قانونی» می‌نامیم. مسئولیت حرفه‌ای، نوعی مسئولیت محض بوده و صرف استناد خسارت به مرکز پایاپای موجب مسئولیت اوست و تنها عاملی که می‌تواند بانک را از مسئولیت بری کند اثبات قوه قاهره است اما باید توجه داشت که این مرکز فقط انجام بخشی از عملیات تراکنش را بر عهده دارد و مابقی عملیات بر عهده بانک انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده است. از این رو مشتری برای اقامه دعوا علیه این مرکز باید اثبات نماید که علت بروز خسارت، بخشی از عملیات است که بر عهده مرکز پایاپای بوده است.

واژگان کلیدی: مرکز پایاپای، مسئولیت حرفه‌ای، تراکنش الکترونیکی وجوه، بانکداری الکترونیکی، دستور پرداخت

استادیار حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران
abdolahi80@gmail.com.

مقدمه

تراکنش الکترونیکی وجه به معنی دریافت و انتقال وجهی است که حداقل یک مرحله از عملیات آن به صورت الکترونیکی انجام شود^۱ و مواردی از جمله پرداخت از طریق پایانه فروش، پرداخت یا انتقال از طریق پایانه‌های نقطه فروش^۲، دستگاه خودپرداز، تلفن بانک و اینترنت بانک را شامل می‌شود. تراکنش الکترونیکی وجوه سه نوع است: دریافت نقدی وجوه، انتقال اعتبار و انتقال طلب. در این تراکنش‌ها اگر حساب بانکی انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده در دو بانک مختلف باشد برای انجام عملیات بانکی لازم است از خدمات یک مرکز پایاپای^۳ استفاده شود.

مرکز پایاپای نقش مهمی در انجام تراکنش دارد از جمله اینکه پیام‌ها را بین بانک مبدأ و مقصد تبادل کرده و وجوه را از حساب تسویه^۴ بانک انتقال‌دهنده کسر و به حساب بانک انتقال‌گیرنده منتقل می‌کند. اگر بانک انتقال‌دهنده و گیرنده هر دو عضو یک مرکز پایاپای نباشند ناچارند از خدمات بانک دیگری که هر دو در آن دارای حساب تهاتری هستند استفاده کنند که به این بانک اصطلاحاً بانک واسطه^۵ می‌گویند. اگر مرکز پایاپای به دلیلی از جمله رخنه به سامانه، نقص‌سامانه‌های بانکداری، قطع خدمات اینترنتی و مخابراتی، اهمال کارکنان و ... وظیفه خود را به درستی انجام ندهد تراکنش انجام نمی‌شود و این امر ممکن است منجر به بروز خساراتی به مشتریان شود به عنوان مثال ممکن است وجه از حساب مشتری کسر شده اما به حساب انتقال‌گیرنده واریز نشود. مرکز پایاپای خدمات خود را به طور مستقیم به مشتری ارائه نمی‌دهد بلکه با بانک انتقال‌دهنده همکاری می‌کند، از این رو این سؤال مطرح می‌شود که آیا این مرکز در قبال مشتری مسئولیت دارد یا خیر و مسئولیت او از چه نوع و مبتنی بر چه مبنایی است. آیا مشتری حق دارد علیه مرکز پایاپای اقامه دعوا کند یا باید به بانک انتقال‌دهنده مراجعه کند؟

در حقوق ایران، قانون جامعی برای تبیین قواعد حقوقی حاکم بر تراکنش‌ها به تصویب

1. United Commission in International Commerce Law (UNCITRAL), UNCITRAL Legal Guide on Electronic funds Transfers, 1987, p.7. www.uncitral.org/uncitral/en/publications.html. Last visit: 2018.

2. Point of Sale Machine.

3. Clearing house.

4. Settlement account.

5. Intermediary bank.

نرسیده است و تنها مقررات مصوب در خصوص این موضوع، دستورالعمل‌هایی است که توسط بانک مرکزی تصویب شده مهم‌ترین آن‌ها «دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه مصوب 1385» و «مقررات ناظر بر ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت مصوب 1390» است. همچنین اداره کل نظام‌های پرداخت بانک مرکزی، موافقت‌نامه‌هایی برای عضویت در مراکز پایاپای تصویب کرده است که ضوابط حاکم بر شیوه ارائه خدمات بانکی در این مراکز را تبیین می‌کند. این مقررات و موافقت‌نامه‌ها جامع نبوده و در نتیجه ابهامات فراوانی را در خصوص نوع و میزان مسئولیت حقوقی مراکز پایاپای در تراکنش‌ها ایجاد کرده است. به علاوه این موافقت‌نامه‌ها به صورتی وضع شد که تا حد ممکن از مرکز پایاپای، سلب مسئولیت کند. در این مقاله، نوع، مبنا و میزان مسئولیت حقوقی مراکز پایاپای را تحلیل کرده و راهکارهایی برای اصلاح و تکمیل مقررات موجود ارائه می‌نمایم.

انواع تراکنش الکترونیکی و نقش مرکز پایاپای در انجام تراکنش

تراکنش وجوه سه نوع است: دریافت نقدی، انتقال مستقیم و انتقال معکوس. در این مبحث، مراحل انجام عملیات این تراکنش‌ها تشریح می‌شود تا نقش مرکز پایاپای در انجام تراکنش روشن شود.

1-1- دریافت نقدی

این تراکنش به معنی دریافت نقدی وجوه توسط دارنده حساب است. برای انجام این تراکنش، صاحب حساب دستور پرداخت را صادر و از بانک خود تقاضا می‌کند تا مبالغ مندرج در دستور به وی پرداخت شود. در این نوع تراکنش، صادرکننده دستور پرداخت همان ذینفع است. دارنده حساب می‌تواند با مراجعه حضوری به بانک و یا از طریق ابزارهای پذیرش¹ الکترونیکی مثل دستگاه خودپرداز، تقاضای برداشت نقدی کند. اگر دارنده حساب مستقیماً از بانکی که در آن دارای حساب است تقاضای پرداخت کند برای انجام تراکنش نیازی به خدمات مرکز پایاپای نیست اما اگر مشتری با استفاده از ابزار پذیرش بانک دیگری،

1. ابزار پذیرش، عبارت است از سخت افزار و نرم‌افزاری که امکان تراکنش را برای دارنده کارت فراهم می‌کند. (بند 14 ماده 1 مقررات ناظر بر ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت).

دستور پرداخت صادر کند مثلاً از دستگاه خودپرداز متعلق به بانک دیگری استفاده کند، این دستور پرداخت به مرکز پایاپای منتقل شده و سپس مرکز پایاپای آن را به بانک دارنده حساب منتقل می‌کند. پس از تبادل این دستور پرداخت، در صورت تأیید دستور توسط آن بانک، مرکز پایاپای یک قلم بدهکاری در حساب تسویه^۱ بانک مذکور و یک قلم بستانکاری در حساب بانک پرداخت کننده ثبت می‌کند و نهایتاً بانک پرداخت کننده، وجه را به مشتری تحویل می‌دهد.

2-1- انتقال مستقیم

انتقال مستقیم به معنای انتقال وجوه از حساب صادر کننده دستور پرداخت به حساب گیرنده است. در اسناد آنستیرال به این نوع تراکنش «انتقال اعتبار»^۲ گفته می‌شود. به موجب ماده 20 دستورالعمل مذکور، انتقال مستقیم شامل سه مرحله صدور، انجام و پایاپای است. در مرحله صدور، مؤسسه مالی صادر کننده^۳ به مؤسسه مالی ذینفع^۴، پیامی ارسال کرده و از او می‌خواهد که حساب ذینفع را بستانکار کند یا وجوه را به وی پرداخت کند. اگر بانک صادر کننده همان بانک ذینفع و یا شعبه دیگری از همان بانک باشد این پیام مستقیماً به وی ارسال می‌شود اما اگر چنین نباشد یعنی حساب انتقال دهنده و گیرنده در دو بانک مختلف باشد، این پیام توسط مرکز پایاپای ارسال می‌شود؛ یعنی اگر بانک صادر کننده و ذینفع، هر دو در مرکز پایاپای مثل پایا، ساتنا و ... عضویت داشته باشند، بانک صادر کننده پیامی مبنی بر بستانکار کردن حساب ذینفع به مرکز پایاپای می‌فرستد و مرکز پایاپای آن را به بانک ذینفع ارسال می‌کند و از بانک ذینفع می‌خواهد حساب ذینفع را بستانکار کند.

بعدها اینکه مؤسسه مالی ذینفع این اقدام را انجام داد، پیامی به مؤسسه مالی صادر کننده

1. بر اساس بند 15 ماده 1 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه و بند 9 ماده 1 موافقت نامه عضویت در سامانه ناخالص آبی (ساتنا)، حساب تسویه عبارت است از حسابی که مؤسسات مالی به منظور انجام تسویه بین بانکی نزد بانک مرکزی افتتاح می‌کنند. مانده نهایی حساب تسویه در پایان روز به حساب جاری عضو منتقل می‌گردد بنابراین در پایان روز، مانده نهایی حساب تسویه همواره صفر است.

2 Credit transfer.

3. مؤسسه مالی صادر کننده، مؤسسه‌ای است که دستور پرداخت را از صادر کننده می‌پذیرد. بند 16 ماده 1 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه.

4. مؤسسه مالی ذینفع، مؤسسه مالی است که دستور پرداخت را از مؤسسه مالی صادر کننده می‌پذیرد. بند 17 ماده 1 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه.

می‌فرستد که دلالت بر بستانکار شدن حساب ذینفع یا پرداخت وجه به وی دارد، به این مرحله «انجام» گفته می‌شود. در این مرحله نیز پیام از طریق مرکز پایاپای به بانک صادرکننده ارسال می‌شود. در نهایت در مرحله پایانی یعنی پایاپای، مرکز پایاپای، یک‌قلم بدهی در حساب مؤسسه مالی صادرکننده و یک‌قلم بستانکاری در حساب مؤسسه مالی ذینفع، ثبت می‌کند و به این شکل، تراکنش پایان می‌پذیرد.

اگر بانک انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده هر دو در یک مرکز پایاپای نیز مشارکت نداشته باشند در این حالت، برای انتقال وجوه می‌توان از خدمات یک بانک ثالث استفاده کرد که به صورت واسطه عمل می‌کند به این صورت که بانک انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده، هر دو در این بانک ثالث، حساب باز می‌کنند و بانک واسطه عملیات تبادل پیام و تسویه بین این دو بانک را انجام می‌دهد. کلیه تحلیل‌ها و احکامی که در این مقاله در خصوص مسئولیت مرکز پایاپای مطرح می‌شود در خصوص بانک واسطه نیز اعمال می‌شود. لازم به ذکر است که شیوه‌سومی نیز برای انجام چنین تراکنشی وجود دارد. به این صورت که بانک انتقال‌گیرنده و انتقال‌دهنده معمولاً نزد یکدیگر دارای حساب بانکی می‌باشند و تراکنش از طریق این حساب، قابل انجام است یعنی تسویه حساب بین بانک‌ها از طریق ثبت بدهکاری یا طلبکاری در این حساب بانکی انجام می‌شود.

3-1 انتقال معکوس

انتقال معکوس یا همان انتقال بدهی¹ به معنی اخذ اعتبار توسط انتقال‌گیرنده از انتقال‌دهنده است. این تراکنش طبق ماده 19 دستورالعمل، توسط مؤسسه مالی ذینفع آغاز می‌شود به این صورت که گیرنده (ذینفع) به بانک خود دستور می‌دهد که مبلغی را از انتقال‌دهنده وصول و به حساب او منتقل و یا به صورت نقد به او پرداخت نماید. در واقع، در این نوع تراکنش، بانک مشتری که قصد انتقال وجوه را دارد «بانک انتقال‌گیرنده» محسوب می‌شود. اگر حساب بانکی انتقال‌دهنده و گیرنده در یک شعبه نباشند همانند حالت انتقال اعتبار، عملیات تسویه توسط اتاق پایاپای یا با دخالت بانک ثالث انجام می‌شود² به موجب ماده 21

1. debit transfer

2. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), OP cit, p.7.

دستورالعمل مذکور، انتقال معکوس دارای چهار مرحله شامل ارسال، صدور، پایاپای و انجام است. در مرحله ارسال، مؤسسه مالی ذینفع به مؤسسه مالی صادرکننده، پیامی ارسال کرده و از او می‌خواهد که حساب صادرکننده را بدهکار کند. این پیام توسط مرکز پایاپای به مؤسسه مالی صادرکننده ارسال می‌شود. سپس نوبت به مرحله صدور می‌رسد؛ در این مرحله، مؤسسه مالی صادرکننده، پیامی مبنی بر بدهکار کردن حساب وی به مؤسسه مالی ذینفع ارسال می‌کند که این تبادل پیام نیز توسط مرکز پایاپای صورت می‌گیرد. پس از آن، پایاپای انجام می‌شود. در این مرحله، مرکز پایاپای یک قلم بدهکار در حساب مؤسسه مالی صادرکننده و یک قلم بستانکار در حساب مؤسسه مالی ذینفع، ثبت می‌کند. مرحله پایانی، مرحله انجام است به این معنا که حساب ذینفع، بستانکار یا وجه توسط مؤسسه مالی ذینفع به او پرداخت می‌شود.

انتقال وجه معکوس در رابطه بین بانک ذینفع و بانک صادرکننده، آثار حقوقی متفاوتی نسبت به انتقال وجه مستقیم ندارد. به این معنا که در هر دو حالت، حساب بانک ذینفع، بستانکار و حساب بانک انتقال‌دهنده، بدهکار می‌شود اما لازم است بررسی شود که بانک انتقال‌دهنده با چه مجوزی این اختیار را پیدا می‌کند که از حساب شخص انتقال‌دهنده، وجه برداشت کند.

برای اینکه ذینفع مجاز به برداشت از حساب باشد باید قبلاً قراردادی بین صادرکننده و ذینفع منعقدشده باشد و به موجب آن، انتقال‌دهنده وکالت می‌دهد که مبلغ معینی از حساب وی برداشت شده و به ذینفع انتقال یابد. نسخه‌ای از این سند به بانک انتقال‌دهنده تحویل می‌شود تا آن را به اجرا بگذارد. بند 2 و 3 ماده 15 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجه به این نکته اشاره کرده است که در هر مورد که اجرای دستور پرداخت نیازمند برداشت از حساب صادرکننده باشد، باید صاحب حساب از پیش، رضایت خود را نسبت به برداشت از حساب خویش اعلام کرده باشد. این الزام ناشی از آن است که برحسب تحلیل نمونه قراردادهای افتتاح حساب پس‌انداز و جاری، مشتری وجوه خود را به بانک قرض داده است و به همین جهت بانک‌ها حق برداشت از حساب مشتریان خود را ندارند مگر اینکه مشتری که مقرض است یا نماینده قانونی وی، وجوه خود را از بانک مطالبه نماید یا بانک مجوز قضایی در این خصوص دریافت کرده باشند¹. برخی مقررات قانونی از جمله ماده 4 قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز این

1. همچنین در این قراردادها درج شده است اگر بانک تحت هر عنوان اشتباهاً و من غیر حق، وجوه یا ارقامی اضافه به حساب مشتری واگذار نماید بانک اختیار دارد رأساً نسبت به برگشت مبالغ از حساب اقدام کند.

حکم را تأیید می‌نمایند. به موجب این ماده، بانک‌ها مکلف به بازپرداخت اصل سپرده‌ها به مشتریان هستند بنابراین بانک بدون چنین مجوزی حق برداشت از حساب را ندارد.

2- شناخت مفهوم و مصادیق مرکز پایاپای

مراکز پایاپای نهادهایی هستند که عملیات انتقال و تسویه وجوه را بین بانک‌ها انجام می‌دهند. بند 9 ماده 1 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه مصوب 1385 مرکز پایاپای را چنین تعریف کرده است: «مرکز پایاپای عبارت است از مجموعه سخت‌افزار، نرم‌افزار و درگاه ارتباطی که عمل پایاپای بین بانک‌ها را انجام می‌دهد». در کشور ما مهم‌ترین این سامانه‌ها شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی (شتاب)، شبکه الکترونیکی پرداخت کارتی (شاپرک)، سامانه پایاپای الکترونیک (پایا)، سامانه حواله الکترونیکی بین بانکی (سحاب) و سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) هستند که در داخل کشور فعالیت می‌کنند. سامانه‌های الکترونیکی داخل کشور توسط «اداره کل نظام‌های پرداخت» که از مجموع ادارات بانک مرکزی است اداره می‌شوند.¹ طبق ماده 40 و 41 دستورالعمل مذکور، تشکیل مراکز پایاپای با کسب مجوز بانک مرکزی امکان‌پذیر است و اداره امور این مراکز نیز تحت نظارت همین بانک صورت می‌گیرد. بانک‌هایی که تقاضای عضویت در یک مرکز پایاپای و استفاده از خدمات آن را دارند یک حساب جاری برای تسویه تراکنش‌ها نزد بانک مرکزی افتتاح کرده و به مرکز پایاپای مجوز برداشت از این حساب را می‌دهند. این اعضا باید یک خط ارتباطی از سوئیچ خود به سوئیچ مرکز پایاپای برقرار کرده و استانداردهای معرفی شده توسط مرکز شتاب را رعایت کرده و مقررات حاکم بر آن مرکز شتاب را که در قالب یک موافقت‌نامه است پذیرفته و موافقت‌نامه را امضا کنند. روابط بین اعضا و مرکز پایاپای بر اساس این موافقت‌نامه تنظیم می‌شود.

موافقت‌نامه منعقد شده بین بانک‌ها و مرکز پایاپای، نوعی عقد غیر معین است که مشمول ماده 10 قانون مدنی است. این قرارداد، یک قرارداد الحاقی است که با انعقاد آن توسط بانک، مفاد از پیش تعیین شده مرکز پایاپای برای اعضا لازم‌الاجراست. این موافقت‌نامه‌ها که در برخی موارد، نام دستورالعمل بر آن‌ها گذاشته شده است توسط نظام جامع پرداخت بانک مرکزی تدوین شده‌اند و از آن میان می‌توان به موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی

1. www.cbi.ir/page/15722.aspx last visit: 2018.

(ساتنا)، مقررات حاکم بر مرکز شتاب، مشخصات و رویه اجرایی کاربری سامانه حواله الکترونیکی بین بانکی (سحاب) و دستورالعمل واریز مستقیم در سامانه پایاپای الکترونیکی (پایا) اشاره کرد.

3- شناخت ماهیت حقوقی دستور پرداخت

تراکنش الکترونیکی وجوه با دستور پرداخت شروع می شود. از این رو لازم است پیش از پرداختن به نوع و مبنای رابطه حقوقی طرفین، ماهیت دستور پرداخت را تحلیل نماییم. همان طور که گفتیم تراکنش وجوه دارای سه قسم است: دریافت نقدی، انتقال اعتبار و انتقال بدهی. در تراکنش دریافت نقدی یعنی در مواردی که مشتری با صدور دستور پرداخت از بانک خود تقاضا می کند که وجهی را نقداً به وی پرداخت نماید، دستور پرداخت صرفاً ایفای تعهد است یعنی در این نوع تراکنش، بانک به تعهداتی که به موجب قرارداد افتتاح حساب به عهده گرفته عمل کرده و وجهی را که نزد او سپرده شده است مسترد می کند اما در سایر تراکنش ها از جمله تراکنش انتقال بدهی و انتقال اعتبار، از آنجا که به موجب دستور پرداخت، بانک تعهدات جدیدی بر عهده می گیرد، دستور پرداخت، صرفاً ایفای تعهد نیست بلکه یک نوع قرارداد است زیرا اگر دستور پرداخت صرفاً ایفای تعهد باشد، لغو آن امکان پذیر نیست.¹ در حالی که در حقوق همه کشورها از جمله ایران، دستور پرداخت تا زمانی که قطعیت نیافته قابل لغو است. به موجب ماده 31 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجه، صادرکننده می تواند تا پیش از تاریخ مؤثر انتقال، لغو دستور پرداخت را از مؤسسه مالی صادرکننده بخواهد و مؤسسه مالی نیز در این صورت مکلف به اجرای دستور صادرکننده خواهد بود. در حقوق آمریکا دستور پرداخت هنگامی قطعی است که توسط بانک ذینفع قبول شود. اگر بانک ذینفع وجه را به حساب دریافت کننده منتقل کند و یا اعلامیه ای حاوی دستور پرداخت یا انتقال وجه به ذینفع ابلاغ کند به معنی قبول است اما پیش از آن، مشتری می تواند دستور پرداخت را لغو کند.²

در خصوص اینکه دستور پرداخت در رابطه بین صادرکننده دستور و بانک وی، چه نوع

1. Wo, Lam Win, "fund transfer: a risk analysis", Journal of International law, vol: 16, 2004.

2. United State Uniform Commercial Code, article 4A-404a, (2012).

قراردادی است در حقوق کشورهای مختلف، تحلیل‌های زیادی شده است. به‌عنوان مثال در حقوق انگلیس برخی دستور پرداخت را نوعی انتقال طلب می‌دانند¹ اما برخی دیگر معتقدند انتقال طلب، نوعی عقد لازم است و پس از وقوع آن، طلب منتقل شده و هیچ‌یک از طرفین نمی‌توانند آن را فسخ کنند در حالی که دستور پرداخت پس از صدور قطعیت نیافته و صادرکننده می‌تواند آن را فسخ کند از این رو، آن را نوعی عقد غیر معین دانسته‌اند.² در حقوق آمریکا با وجود مشابهتی که دستور پرداخت با عقد و کالت دارد، قسمت الف بند 212 ماده 4 آقانون متحدالشکل تجارت، دستور پرداخت را و کالت ندانسته است. این ماده مقرر کرده است: «بانک، وکیل صادرکننده دستور یا ذینفع دستور پرداخت که دستور پرداخت را قبول کرده است نمی‌باشد»³ حقوقدانان در تفسیر این ماده گفته‌اند رابطه بانک و مشتری تفاوت‌های زیادی با عقد و کالت دارد از جمله اینکه و کالت عقدی جایز است و هر یک از طرفین می‌تواند هر زمان که می‌خواهد عقد را به هم بزنند در حالی که بانک حق ندارد از انجام تراکنش انصراف دهد. از طرفی وکیل، امین محسوب شده و فقط وظیفه دارد در حد عرف برای انجام کاری که به او واگذار شده تلاش کند در حالی که در رابطه بانک و مشتری، بانک انجام تعهد را به صورت تعهد به نتیجه برعهده گرفته است و از این رو آن را نوعی عقد غیر معین می‌دانند که شرایط و آثار آن بر اساس توافق طرفین تعیین می‌شود.⁴ در حقوق ایران نیز با وجود شباهت دستور پرداخت به عقود مذکور، به دلیل وجود همین تفاوت‌ها، دستور پرداخت نوعی عقد غیر معین مشمول ماده 10 قانون مدنی است.⁵

4- رابطه قراردادی بانک واسط و مشتری

مرکز پایاپای و بانک واسط در ظاهر با مشتریان ارتباط مستقیمی ندارد زیرا شخص انتقال‌دهنده، دستور پرداخت را به بانک انتقال‌دهنده تحویل می‌دهد سپس بانک مذکور این

1 Pennington, Hudson, Commercial Banking Law, (England, Evans press, 1978), p.286.

2. Arora, Alexander, Electronic Banking and the law, (London, IBC Financial Book, 2004), p.51.

3. United State Uniform Commercial Code, Article 4A, (2012).

4. Felsenfel, Carl, "the Compability of UNCITRAL Model Law on International Credit Transfer with article 4A of the UCC", Fordham law review, vol.60, Issue 6, (2011), p:58.

5. برای مطالعه بیشتر در خصوص ماهیت و آثار این قرارداد رجوع کنید به عبدالهی، محبوبه، مسئولیت حقوقی بانک‌ها در تراکنش‌های الکترونیکی وجوه، خرسندی، 1396، ص 77-82.

دستور را به مرکز پایاپای ارسال می‌کند. مرکز پایاپای یا بانک واسط از قبل با بانک انتقال- دهنده دارای رابطه قراردادی است که مبتنی بر همان موافقت‌نامه‌ای است که در مبحث قبل در مورد آن توضیح دادیم. این موافقت‌نامه که بین مرکز پایاپای و بانک‌ها منعقد شده است نوعی عقد غیر معین مشمول ماده 10 قانون مدنی است. به موجب این موافقت‌نامه، مرکز پایاپای یا بانک واسط، تعهداتی را در قبال بانک‌های عضو بر عهده می‌گیرد از جمله اینکه مرکز پایاپای متعهد است دستور پرداخت‌های ارسالی از جانب بانک انتقال‌دهنده را پذیرفته و تبادل کند. به عنوان مثال، به موجب ماده 5 موافقت‌نامه عضویت در سامانه ناخالص آئی، ساتنا به عنوان یک مرکز پایاپای موظف است دستور پرداخت‌های صادر شده از سوی بانک‌ها را پردازش کند. همچنین مرکز شتاب نیز به عنوان یک مرکز پایاپای طبق ماده 2 مقررات حاکم بر مرکز شتاب در قبال بانک‌هایی که قرارداد عضویت مرکز شتاب را امضا می‌کنند مکلف به انجام تعهداتی از جمله دریافت اطلاعات مربوط به تراکنش‌ها، پردازش و تهاتر اقلام مربوط به تراکنش‌هاست.

هنگامی که بانک انتقال‌دهنده، دستور پرداخت صادره از جانب انتقال‌دهنده را برای مرکز پایاپای ارسال می‌کند، مرکز پایاپای یا بانک واسط طبق موافقت‌نامه منعقد شده بین وی و بانک انتقال‌دهنده ملزم به پذیرش دستور پرداخت است یعنی این عمل وی، نوعی ایفای تعهد است اما باید توجه داشت که باین وجود، به موجب دستور پرداخت، شرایط خاصی به قرارداد سابق اضافه می‌شود به این معنی که بانک واسط یا مرکز پایاپای تعهد می‌کند که در زمان معینی، مبلغ معینی را به حساب شخصی منتقل نماید بنابراین دستور پرداخت، یک متمم قرارداد است که به قرارداد سابق بین این مرکز و بانک انتقال‌دهنده ضمیمه می‌شود و به موجب آن بانک انتقال‌دهنده به عنوان طرف عقد، این تکلیف را بر عهده مرکز پایاپای قرار می‌دهد که مرحله‌ای از عملیات تراکنش را به نفع انتقال‌دهنده و گیرنده انجام دهد.

اگر بانک واسط یا مرکز پایاپای، تراکنش را به درستی انجام ندهد و خسارتی وارد شود، این ابهام مطرح می‌شود که آیا صادرکننده دستور پرداخت با بانک واسط یا مرکز پایاپای رابطه قراردادی دارد که بتواند بر مبنای آن، مطالبه خسارت قراردادی نماید یا خیر. در حقوق کشورهای مختلف، در خصوص وجود رابطه قراردادی بین مرکز پایاپای و شخص انتقال‌دهنده

اختلاف نظر وجود دارد. در دعوی شرکت تولیدات سلطنتی علیه بانک داخلی^۱، دادگاه دعوی مشتری علیه بانک واسط را رد کرده و اظهار داشت که بانک واسط نمی‌تواند به دلیل کوتاهی در انجام تراکنش انتقال اعتبار توسط مشتریان بانک انتقال‌دهنده، طرف دعوا قرار گیرد زیرا رابطه قراردادی مستقیمی بین آن‌ها وجود ندارد^۲. در مقابل، برخی از حقوقدانان اسکاتلند در این خصوص قائل به تفکیک شده و اظهار کرده‌اند اگر به موجب مندرجات دستور پرداختی که بانک انتقال‌دهنده به بانک واسط ارسال می‌کند به روشنی تصریح شده باشد که ذینفع دستور مشتری است، مشتری مجاز است علیه بانک واسط مستقیماً اقامه دعوا کند اما اگر در دستور پرداخت، تعهد بانک واسط در مقابل مشتری تصریح نشده و بانک صرفاً مکلف به انتقال وجه به حسابی که بانک انتقال‌دهنده اعلام کرده است شود، مشتری حق مطالبه خسارت از او را ندارد زیرا بانک رابطه قراردادی با وی ندارد. دلیل این تفکیک، قاعده تعهد به نفع ثالث است. در فرض اول، دستور پرداخت حاوی تعهدی به نفع مشتری است از این رو وی به عنوان ذینفع ثالث حق دارد علیه بانک اقامه دعوا نماید^۳.

در حقوق آلمان، اگر کوتاهی بانک واسط موجب بروز خسارت شود، به موجب رویه قضایی، صادرکننده دستور پرداخت حق دارد بر مبنای رابطه قراردادی مستقیماً علیه وی اقامه دعوا کند. قاضی Olg Dusseldorf DB در سال 1982 در خصوص تراکنش انتقال اعتباری که بانک انتقال‌گیرنده در انجام آن کوتاهی کرده و موجب بروز خسارت شده بود اظهار کرد که صادرکننده حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت قراردادی از بانک انتقال‌گیرنده را دارد زیرا بر اساس قرارداد منعقد شده بین بانک صادرکننده و بانک واسط، بانک واسط تعهد کرده است که تراکنش را به طور صحیح در حق صادرکننده انجام داده و طبق قرارداد، وظیفه مراقبت از منافع مالی صادرکننده را بر عهده گرفته است و شخص صادرکننده، در انجام این تکلیف، ذینفع ثالث محسوب می‌شود. در سال 1977 دیوان عالی آلمان در خصوص تراکنش انتقال بدهی چنین رأیی صادر کرده و دعوی مطالبه خسارت قراردادی توسط صادرکننده دستور پرداخت در مقابل بانک واسط را پذیرفته و وی را ذینفع ثالث عنوان کرده

1. Royal Product Ltd v Midland Bank Ltd, 1981.

2. Algudah, Fayyad, The Liability of Banks in Electronic Fund Transfer Transactions, Phd thesis, University of Edinburgh, 1992, P.92.

3. Ibid, p.93.

بود^۱.

در حقوق ایران نیز به نظر می‌رسد مشتری با همین استدلال، حق اقامه دعوی قراردادی مستقیم علیه بانک واسط را دارد زیرا به موجب دستور پرداختی که بانک انتقال‌دهنده به بانک انتقال‌گیرنده ارسال می‌نماید، بانک انتقال‌گیرنده در مقابل بانک انتقال‌دهنده تعهد می‌کند که تراکنش را انجام و مبلغی را از حساب انتقال‌دهنده کسر و به حساب انتقال‌گیرنده منتقل کند. از آنجا که نام انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده در دستور پرداخت تعیین شده و بانک واسط و مرکز پایاپای با پذیرش این دستور پرداخت، انجام تعهد را به طور صحیح به نفع این دو شخص را برعهده گرفته است، شخص انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده در قرارداد منعقد بین بانک انتقال‌دهنده و بانک انتقال‌گیرنده، ذینفع ثالث محسوب می‌شوند. تعهد به نفع ثالث در ماده 196 قانون مدنی آمده است و ممکن است یکی از دو نوع اصلی و تبعی باشد. در تعهد به نفع ثالث اصلی، موضوع عقد همان تعهد به نفع ثالث است^۲. در دستور پرداخت منعقد بین بانک انتقال‌دهنده و بانک واسط، حق مشتری بر مبنای تعهد به نفع ثالث اصلی توجیه‌پذیر است یعنی بانک واسط یا مرکز پایاپای به ازای دریافت حق عضویت و کارمزد خدمات از بانک انتقال‌دهنده، تراکنش را به نفع مشتری انجام می‌دهد. اگرچه بانک انتقال‌دهنده، طرف اصلی قرارداد است اما در صورت تخلف بانک واسط یا مرکز پایاپای از انجام تعهدات خود، مشتری می‌تواند با استناد به این قرارداد به عنوان ذینفع اقامه دعوا کرده و مطالبه خسارت نماید.

5- تحلیل مبنای مسئولیت بانک واسط در برابر مشتری

بانک واسط در مقابل مشتری هم دارای رابطه قراردادی است و هم الزامات قانونی بر عهده دارد. رابطه قراردادی بانک انتقال‌دهنده و شخص انتقال‌دهنده تحلیل شد اما علاوه بر این قرارداد، قانون‌گذار نیز به موجب مقررات، الزاماتی برای بانک‌ها در نظر گرفته است که بانک به لحاظ حرفه‌ای ملزم به رعایت آن‌هاست و هدف از وضع این مقررات، حمایت از مشتریان

1. Stockman, Rainer, "Liability of Intermediary and Beneficiary Bank in fund Transfer: a Comparative Study of American and German Law", Berkeley Journal of International Law, Vol.8.Issue2, (1991), p.247-248.

2. صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، (میزان، چ 5، 1386) ص 170.

به‌عنوان مصرف‌کنندگان نظام بانکی است. از این رو، برای تحلیل مسئولیت بانک، لازم است تحلیل کنیم که مسئولیت حقوقی بانک بر کدام مبنا استوار است. آیا این مسئولیت، قراردادی است یا مدنی و یا مبنای دیگری دارد.

در حقوق ایران، برخی حقوقدانان مسئولیت را به دو نوع مسئولیت قراردادی و مدنی تفکیک می‌کنند^۱ اما عده‌ای دیگر، قائل به وحدت این دو نوع مسئولیت هستند^۲ به نظر می‌رسد علت اختلاف بین حقوقدانان در خصوص وحدت یا تعدد مسئولیت مدنی، وجود اقسامی از مسئولیت است که هر دو جنبه قراردادی و مدنی را دارا است و غالباً در مسئولیت‌های حرفه‌ای از جمله مسئولیت پزشکی، وکیل، متصدی حمل و نقل و عرضه‌کنندگان کالا یا سایر موارد مشابهی که قانون، رعایت استانداردهای خاصی را الزامی دانسته، دیده می‌شود. رابطه بانک و مشتری نیز یکی از این اقسام است.

حقوقدانانی که معتقد به وحدت این دو نوع مسئولیت هستند، برای اثبات نظریه خویش، به یکی از نمونه‌های مسئولیت حرفه‌ای تمسک جسته‌اند. در این موارد، اگرچه رابطه قراردادی بین طرفین وجود داشته و شخص دارای مسئولیت قراردادی است اما مقررات و دستورالعمل‌ها نیز وظایف حرفه‌ای مقرر کرده است که صاحبان حرف ملزم به اجرای آن‌ها هستند. در صورت تخلف از این دستورالعمل‌ها، به‌روشنی نمی‌توان گفت که شخص متعهد در چنین حالتی، مفاد قراردادی را نقض کرده و یا حکم قانون را نادیده گرفته است. این دستورالعمل‌ها و نظامات حرفه‌ای در مواردی که رابطه قراردادی بین صاحب حرفه و مشتری وجود ندارد، اعمال می‌شود و تخلف از آن‌ها موجب ضمان قهری است اما در صورت وجود رابطه قراردادی نیز، الزام وی به رعایت نظامات از بین نمی‌رود. حتی در صورت وجود قرارداد، این نظامات نیز شروط ضمن عقد تلقی شده لازم‌الاجرا هستند.

در مواردی که شخص به لحاظ حرفه‌ای مسئولیت دارد، تفکیک بین مسئولیت مدنی و قراردادی معقول نیست زیرا به‌هرحال، چه برحسب قانون و چه برحسب قرارداد، شخص ملزم به اجرای نظامات واحدی است و تنها اثر قرارداد این است که می‌تواند شروطی را به نفع

1. کاتوزیان، ناصر، مسئولیت مدنی، ج 1، انتشارات دانشگاه تهران، چ 9، 1389، ص 116.

2. صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، (سمت، 1393)، ص 92. همچنین باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، (میزان، چ 2، 1387)، ص 31.

مشتری مقرر کند. در حقوق فرانسه نیز برخی بر ضرورت ایجاد این نوع مسئولیت تأکید کرده و عنوان «مسئولیت قانونی»^۱ را برای آن پیشنهاد کرده‌اند.^۲

مسئولیت بانک نیز نوعی مسئولیت حرفه‌ای و مشابه موارد مذکور است یعنی دستورالعمل‌ها و مصوباتی که بانک مرکزی در خصوص شیوه انجام تراکنش‌ها و یا رعایت حقوق مشتری مقرر کرده است، هم در دعوی مسئولیت قراردادی و هم مدنی قابل استناد است و اگر قراردادی بین مشتری و بانک وجود نداشته باشد و یا به دلیلی مثل عدم اهلیت مشتری، قرارداد منعقد باطل شود بر اساس نظریه «مسئولیت قانونی» تعهدات بانک در مقابل این مشتری با سایر مشتریانی که دارای رابطه قراردادی با بانک هستند تفاوتی نخواهد داشت.

با توجه به موارد مذکور به نظر می‌رسد با وجود آنکه قانون‌گذار صریحاً «مسئولیت قانونی» را به عنوان نوع سومی از مسئولیت عنوان نکرده اما عملاً آن را در مواردی مثل مسئولیت پزشک، وکیل و متصدی حمل و نقل می‌توان استنباط کرد. اقامه دعوا بر اساس چنین مبنایی طبق قوانین آئین دادرسی مدنی با مانع عملی روبرو نیست یعنی اگر مشتری به عنوان خواهان برای مطالبه خسارت اقامه دعوا کند مکلف نیست دعوی خود را بر اساس یکی از مبانی قهری یا قراردادی استوار سازد زیرا دسته‌بندی تعهد بانک در زمره تعهدات قانونی یا قراردادی، در حقیقت نوعی توصیف است. توصیف فرایندی است که ماهیت حقوقی موضوعات مطرح شده را معین و آن موضوعات را مشمول احکامی خاص می‌کند.^۳ با توجه به تعریفی که از امور حکمی ارائه شده است، توصیف جزء امور حکمی است^۴ زیرا اعمال قواعد حقوقی، رابطه مستقیمی با توصیف دارد. در حقوق ایران، اصحاب دعوا فقط مکلف به اثبات امور موضوعی هستند و بررسی امور حکمی از اختیارات قاضی بوده، ایشان مکلف به اثبات آن نیستند و

1. Responsabilite' le' gale

2. هاشمی، احمدعلی، دامنه مسئولیت مدنی، (انتشارات دانشگاه امام صادق، 1389)، ص 51.
3. غمامی، مجید، اشراقی آرائی، مجتبی، «فواید عملی و نظری تفکیک امر حکمی از امر موضوعی در دادرسی مدنی»، فصلنامه حقوق، دوره 40، ش 4، (1389)، ص 268.
4. در تعریف امور حکمی گفته‌اند، هر آنچه بر اعمال قانون تأثیر می‌گذارد، از جمله جستجوی قاعده حقوقی قابل اجرا، توصیف حقوقی وقایع و استنتاج حقوقی در قلمرو امور حکمی است. غمامی، مجید، منبع پیشین، ص 270.

دادگاه‌های ایران نیز طرفین را مکلف به توصیف نمی‌دانند.¹

از ویژگی‌های مسئولیت قانونی این است که در مسئولیت قانونی اگر زیان دیده بخواهد مطالبه خسارت کند لازم نیست اثبات نماید که ورود ضرر برای فاعل فعل زیان‌بار قابل پیش‌بینی بوده است زیرا عرفاً اشخاص حرفه‌ای باید با توجه به تخصص خود، کلیه خسارات احتمالی ناشی از خطاهای شغلی خود را پیش‌بینی نمایند و مسئول کلیه زیان‌های ناشی از اعمال خود هستند² همچنین باید توجه داشت یکی از اهداف قانون‌گذار از ایجاد مسئولیت حرفه‌ای حمایت از مصرف‌کننده است با توجه به این هدف، این نوع مسئولیت بانظم عمومی مرتبط است و طبق این مبنا، شرط عدم یا تحدید مسئولیت حرفه‌ای بانک باید باطل تلقی شود.³ مقررات موجود در خصوص مسئولیت بانک آمره بوده و کلیه بانک‌ها مکلف به اجرای آن‌ها هستند. ماده 19 مقررات ناظر بر ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت، بانک‌ها را مکلف به رعایت کلیه بخشنامه‌های صادره و تطبیق عملیات خود با این بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب بانک مرکزی دانسته است. به موجب ماده 24 این مصوبه عدم رعایت این مقررات، منجر به مجازات‌هایی همچون اخطار، تعلیق و لغو مجوز بانک متخلف می‌شود.

راهنمای آنسیترال توصیه کرده است که بهتر است شرط معافیت از مسئولیت فقط در مواردی پذیرفته شود که بانک، نهایت احتیاط عرفی را برای جلوگیری از ورود ضرر انجام داده است.⁴ به عنوان مثال اگر ارائه خدمات ارتباطی و مخابراتی در انحصار شخص خاصی باشد بانک می‌تواند به موجب قرارداد، مسئولیت مستند به فعل آن متصدی را از خود رفع کند زیرا در چنین حالتی، بانک هیچ راهی برای اجتناب از ضرر نداشته و نهایت احتیاط عرفی را به عمل آورده است و شرط معافیت از مسئولیت در چنین حالتی صحیح است.

6- بررسی مبنای مسئولیت بانک در تراکنش‌های الکترونیکی

حال که نوع مسئولیت بانک را بررسی کردیم لازم است مبنای مسئولیت مرکز پایاپای را مورد تحلیل قرار دهیم تا بدانیم مسئولیت حرفه‌ای به کدامیک از نظریات مسئولیت نزدیک‌تر

1. شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، ج 2، (انتشارات میزان، چ 4، 1382)، ص 247.

2. قهرمانی، نصراله، مسئولیت مدنی و کیل دادگستری، (چ 1، نشر گندم، 1377)، ص 77.

3. هاشمی، احمدعلی، پیشین، ص 260.

4. Uncitral, opcit, p.63.

است. به این معنا که برای اثبات مسئولیت این مرکز آیا لازم است تقصیر وی ثابت شود یا مسئولیت وی، محض بوده و صرف اثبات ورود ضرر از جانب وی، موجب مسئولیت است؟ مهم ترین هدف بانکداری، حفظ اموال و وجوه مردم و به کارگیری آن برای مصلحت جامعه و کمک به فعالیت های اقتصادی است. برای تأمین این وظیفه لازم است مسئولیت بانک ها به گونه ای باشد که اعتماد عموم جلب شده و حقوق آنان تضمین شود در غیر این صورت، تمایل مشتریان به استفاده از خدمات بانکداری کم شده و در نهایت به منافع بانک ها نیز صدمه وارد می شود.

حمایت از مشتری اقتضا دارد که مسئولیت مرکز پایاپای، مسئولیت محض باشد بالخاص که مرکز پایاپای طبق تعریف ماده 1 قانون حمایت از مصرف کنندگان، عرضه کننده خدمات محسوب می شود از این رو در قبال خساراتی که مستند به عملیات اوست مسئول است و اگر برای انجام این عملیات از مشارکت اشخاص دیگری از جمله سازندگان نرم افزار، سخت افزار و متصدی خدمات ارتباطی استفاده کند نیز در قبال اعمال ایشان نیز مسئول است؛ اثبات تقصیر این عوامل و اشخاص موجب رفع مسئولیت از وی نیست و تنها عاملی که می تواند بانک را از مسئولیت معاف سازد اثبات قوه قاهره است.¹ باید توجه داشت که مسئولیت محض² نباید با مسئولیت مطلق³ اشتباه شود زیرا در مسئولیت مطلق، خواننده نمی تواند به هیچ دفاعی متوسل شود و حتی اثبات قوه قاهره یا مشارکت زیان دیده نیز نمی تواند موجب رفع مسئولیت وی شود⁴ مانند مسئولیت غاصب.

در مقررات موجود در نظام حقوقی ایران، نوع، مبنا و دایره مسئولیت مرکز پایاپای بیان نشده است که این امر قابل انتقاد است اما مسئولیت محض بانک را می توان از برخی مواد از جمله بند ج ماده 35 قانون پولی و بانکی کشور و مقررات حمایت از مصرف کننده استنباط کرد.⁵ در این بند مقرر شده است: «هر بانک در مقابل خساراتی که در اثر عملیات آن متوجه

1. Ibid.

2. Strict Liability.

3. Absolute Liability.

4. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، (شرکت سهامی انتشار، 1384)، ص 213.

5. عبدالهی، محبوبه، «تحلیل مسئولیت حقوقی بانک انتقال دهنده در تراکنش های الکترونیکی وجوه»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ش 12، (1396)، ص 50.

مشتریان می‌شود مسئول و متعهد جبران خواهد بود». این بند، صرف استناد خسارت به بانک را برای مسئولیت کافی می‌داند و برای مسئولیت بانک نیازی به اثبات تقصیر نیست و مشتری به صرف اثبات رابطه سببیت بین بانک و ورود ضرر می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

لازم به ذکر است اگرچه مرکز پایاپای و بانک واسط، خدمات خود را به‌طور غیرمستقیم به مشتریان ارائه می‌کنند اما ایشان نیز مانند کسانی که مستقیماً به مشتری خدمات ارائه می‌کنند، به‌عنوان صاحب حرفه یا عرضه‌کننده خدمات در قبال مشتری مسئول هستند. بند 2 ماده 1 قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، عرضه‌کننده را به این شکل تعریف کرده است: «عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، به کلیه تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان، فروشندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات اعم از فنی و حرفه‌ای و همچنین کلیه دستگاه‌ها، مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزئی، کالا یا خدمت به مصرف‌کننده ارائه می‌نمایند، اطلاق می‌شود». این ماده عام بوده و کسانی را که به‌طور غیرمستقیم و جزئی ارائه خدمت می‌کنند، مشمول عنوان عرضه‌کننده می‌داند بنابراین ایشان نیز باید تکالیف عرضه‌کننده مندرج در ماده 2 این قانون در خصوص صحت و سلامت کالاها و خدمات را رعایت نمایند و در غیر این صورت، مشتری حق دارد به‌صرف اثبات رابطه سببیت بین خدمت ارائه‌شده و ورود ضرر، بدون اثبات تقصیر از ایشان مطالبه خسارت نماید. به‌موجب این ماده کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات، منفرداً یا مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالاها و خدمات عرضه‌شده هستند. مسئولیت بانک واسط مشابه شخصی است که مواد اولیه ناسالمی را به تولیدکننده یک کالا تحویل داده است و آن تولیدکننده با استفاده از مواد اولیه ناسالم، کالای معیوبی تولید کرده و به مصرف‌کنندگان عرضه کرده است. در چنین حالتی، از آنجا که ممکن است تمام یا بخشی از خسارت مستند به عمل تولیدکننده کالای نهایی باشد، تولیدکننده مواد اولیه را نمی‌توان مسئول کل خسارات ناشی از کالای حاصله دانست ما اگر خسارت وارده ناشی از مواد اولیه ناسالم باشد، تولیدکننده مواد اولیه در قبال آن مسئول است¹.

1. بند 1 ماده 3 دستورالعمل مسئولیت ناشی از عیوب تولید اتحادیه اروپا (EC product liability Directive) 1985 تولیدکننده مواد اولیه یا سازنده اجزای ترکیبی کالا را نیز تولیدکننده محسوب و او را مسئول خسارات ناشی از عیوب می‌داند.

در بند 6 ماده 7 دستورالعمل اروپایی EC/34/1999 مقرر شده است اگر تولیدکننده، تأمین کننده قطعه یا جزئی از کالا باشد و عیب در بخش نهایی فرایند تولید کالا که وی در آن دخیل نبوده به وجود آمده باشد، تولیدکننده قطعه مسئول جبران این خسارات نیست.

7- تعهدات مرکز پایاپای

همانطور که گفتیم مسئولیت مرکز پایاپای، مسئولیت قانونی است یعنی نقض یکی از تعهدات قراردادی یا الزامات قانونی، فعل زیان بار محسوب شده و موجب مسئولیت اوست و نیازی به تفکیک تعهدات او به دودسته قراردادی و قانونی نیست. البته غالب این الزامات قانونی از طریق دستورالعمل های مصوب بانک مرکزی مقرر شده است. در این مبحث این تعهدات مورد بررسی قرار می گیرند.

ماده 42 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه مقرر کرده است:

مرکز پایاپای حداقل وظایف زیر را بر عهده دارد:

الف- پذیرش، پردازش و سوئیچ پیام های ارسال شده مؤسسات مالی طی عملیات انتقال.

ب- انجام ثبت های حسابداری مربوط به هر یک از انتقالات مؤسسات مالی.

پ- پایاپای و خالص کردن مانده بدهکار یا بستانکار هر یک از مؤسسات مالی عضو در مدت زمان معین شده.

ت- تهیه و ارسال پیام تسویه بین بانکی بر اساس نتیجه پایاپای بند 3 به سیستم تسویه ناخالص و بلادرنگ.

ج- تهیه و تنظیم صورتحساب و عملکرد هر یک از اعضا.

موارد مذکور در این ماده حصری نیستند و همان طور که در ماده آمده است این موارد، حداقل وظایفی است که برای مرکز پایاپای مقرر شده است و ممکن است به موجب سایر دستورالعمل های بانکی به این وظایف افزوده شود. علاوه بر وظایف مقرر در ماده فوق، وظیفه ثبت و ذخیره اطلاعات تراکنش ها و تدوین، به روزرسانی و نظارت بر اجرای استانداردهای فنی نیز بر عهده مرکز پایاپای است که در این ماده بیان نشده است و به شرح آنها می پردازیم.

1- ثبت و ذخیره اطلاعات تراکنش ها

مرکز پایاپای موظف است اطلاعات مربوط به تراکنش را ذخیره کند. در صورت بروز اختلاف بین اعضا این اطلاعات به عنوان دلیل، معتبر و به عنوان دلیل الکترونیکی در محاکم قضایی قابل استناد است.¹ ماده 36 مقررات حاکم بر مرکز شتاب مصوب 1381 این مرکز را به عنوان یک مرکز پایاپای موظف به ذخیره اطلاعات می‌داند. در این ماده مقرر شده است: «کلیه تراکنش‌های بین اعضا در پایگاه داده شتاب ذخیره می‌شود. این تراکنش‌ها تا مدت شش ماه به صورت ارتباط پیوسته² ذخیره شده و پس از این مدت، به صورت ارتباط ناپیوسته³ در ابزارهای پشتیبانی⁴ نگهداری می‌شود». همچنین تبصره 1 همین ماده اعضای شتاب یعنی بانک‌ها و مؤسسات مالی را نیز مکلف به ثبت، ذخیره و نگهداری تراکنش‌های خود با دیگر اعضا کرده است اما در صورت وجود اختلاف بین این اطلاعات و اطلاعات ذخیره شده در مرکز شتاب، طبق ماده 28 همین مقررات، تنها اطلاعات موجود در پایگاه داده شتاب مربوط به تراکنش‌های بین اعضا معتبر و قابل استناد می‌باشد. این اطلاعات از اعتبار کافی جهت ارائه به محاکم قضایی برخوردار است.

مرکز ساتنا نیز به عنوان یک مرکز پایاپای، طبق مقررات موظف به ذخیره اطلاعات است. به موجب ماده 48 موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) مصوب 1385 در صورت مغایرت اطلاعات ارائه شده توسط اعضا، تنها اطلاعات ساتنا قابلیت استناد خواهد داشت.

به موجب ماده 17 مقررات ناظر بر ارائه‌دهندگان خدمات پرداخت، حداقل مدت زمانی که بانک موظف به نگهداری اطلاعات است 10 سال می‌باشد. نگهداری از اسناد الکترونیکی باید بر اساس ضوابط خاصی باشد که در ماده 10 قانون تجارت الکترونیک بیان شده است. در این ماده آمده است:

هنگامی که قانون مقرر می‌دارد که اسناد، رکوردها یا اطلاعات نگهداری شود این ضرورت با نگهداری داده پیام برآورده می‌شود مشروط بر آنکه شرایط زیر رعایت شود:

الف- اطلاعات مندرج در آن در دسترس بوده به نحوی که برای ارجاعات بعدی

1. عبدالهی، محبوبه، دلیل الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوا، (خرسندی، 1391)، ص 98.

2. On-line.
3. Off-line.
4. Backup Storage Devices.

قابل استفاده باشد.

ب- داده پیام در همان قالبی که تولید، ارسال یا دریافت شده و یا قالبی که بتواند دقیقاً اطلاعات تولید، ارسال یا دریافت شده را نمایش دهد نگهداری شود.

پ- اطلاعات به نحوی نگهداری شود که هویت داده پیام، مبدأ و مقصد، تاریخ و زمان ارسال و دریافت داده پیام مشخص باشد.

اگر بین مشتری و بانک یا مرکز پایاپای یا بین بانک‌ها یا بین بانک و مرکز پایاپای دعوی حقوقی مطرح شود، هر یک از طرفین می‌توانند به سوابق تراکنش استناد کرده و از طریق دادگاه ارائه این اسناد را مطالبه کنند در این صورت مرکز پایاپای طبق ماده 212 قانون آئین دادرسی مدنی موظف به ارائه است. در این ماده مقرر شده است: «هرگاه سند یا اطلاعات دیگری که مربوط به مورد دعواست در ادارات دولتی، بانک‌ها یا شهرداری‌ها یا مؤسساتی که با سرمایه دولت تأسیس و اداره می‌شود موجود باشد و دادگاه آن را مؤثر در موضوع تشخیص دهد به درخواست یکی از اصحاب دعوا به طور کتبی به اداره یا سازمان مربوط، ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را با ذکر موعد، مقرر می‌دارد. اداره یا سازمان مربوط مکلف است فوری دستور دادگاه را انجام دهد مگر اینکه ابراز سند با مصالح سیاسی کشور و یا نظم عمومی منافات داشته باشد...» به موجب تبصره 2 این ماده حتی اگر بانک، خود طرف دعوا باشد و مشتری به این اسناد استناد نموده باشد نیز بانک ملزم به ارائه اسناد است. ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد در ادامه ماده ذکر شده است: «در صورت امتناع، کسی که مسئولیت عدم ارائه سند متوجه اوست پس از رسیدگی در همین دادگاه و احراز تخلف به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد؛ بنابراین ضمانت اجرای تکلیف بانک به ارائه اسناد، محکومیت اداری شخص مسئول و اقامه دعوی مسئولیت مدنی علیه اوست اما عدم ارائه اسناد توسط بانک، دلیلی برای اثبات ادعای استناد کننده محسوب نمی‌شود و در نتیجه، ممکن است مشتری به علت ناتوانی در اثبات از حق خود محروم شود¹. از این رو به نظر می‌رسد ضمانت اجرای این ماده، ضعیف است.

لازم به ذکر است که صرفاً در صورتی می‌توان مرکز پایاپای یا بانک واسط را ملزم به

1. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج 3، (انتشارات دراک، چ 2، 1384)، ص 178.

رعایت مفاد این ماده دانست که جزء بانک‌های دولتی محسوب شده یا با سرمایه دولت تأسیس و اداره شود یعنی بانک‌های خصوصی مشمول مقررات این ماده نیستند^۱.

2- تدوین، به‌روزرسانی و نظارت بر اجرای استانداردهای فنی:

مرکز پایاپای مکلف است دستورالعمل‌ها و استانداردهای فنی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را تهیه کرده و به تأیید بانک مرکزی برساند و پس از تأیید به اعضا اعلام کند. کلیه بانک‌ها و مؤسسات مالی که به عضویت مرکز پایاپای درمی‌آیند موظفند این استانداردها را رعایت کنند و مرکز پایاپای باید مکلف به نظارت بر اجرای استانداردها توسط این اعضا باشد. همچنین با توجه به آنکه رخنه‌گران همواره در حال کشف روش‌های رخنه به سامانه‌های بانکی هستند، مرکز پایاپای باید موظف شود مطابق با پیشرفت‌های علمی روز، استانداردها را به‌روزرسانی کند تا احتمال رخنه به سامانه وجود نداشته باشد. اگر دستورالعمل‌های فنی ارائه‌شده توسط مرکز پایاپای مطابق استانداردهای روز نباشد و در نتیجه سامانه مورد رخنه قرار گرفته و خسارتی به اشخاص وارد شود این مرکز مکلف به جبران خسارت است.

در مقررات بانکی کشورمان، ذکر این موارد مغفول مانده و تدوین، به‌روزرسانی و نظارت بر اجرای استانداردهای فنی به‌عنوان یکی از وظایف مرکز پایاپای ذکر نشده بلکه این امر به‌عنوان حق مرکز پایاپای و نه تکلیف وی شمرده شده است. به‌عنوان مثال، در ماده 57 مقررات حاکم بر مرکز شتاب آمده است: «صرفاً مرکز شتاب حق تغییر، اصلاح، توسعه یا بهینه‌سازی مقررات، دستورالعمل‌های فنی، سخت‌افزار و نرم‌افزار را بعد از تأیید بانک مرکزی در اختیار دارد و در این زمینه متعهد اطلاع‌رسانی به اعضا می‌باشد».

این ایراد قانونی فقط منحصر به مقررات حاکم بر مرکز شتاب نیست بلکه در مقررات حاکم بر سایر مراکز پایاپای از جمله ساتنا، سحاب و پایا نیز این خلأ قانونی وجود دارد که در این خصوص می‌توان از تبصره ماده 29 موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) یاد کرد^۲.

1. شمس، عبدالله، منبع پیشین، ص 174.

2. در تبصره این ماده آمده است: «حق تغییر یا اصلاح مشخصات و استانداردهای فنی راهبری ساتنا، الزامات و شرایط فنی اتصال سیستم‌های داخلی بانک‌ها به ساتنا، مشخصه‌های ایمنی و حفاظتی سامانه‌های مرتبط و روزها و ساعات کاری عملیات ساتنا با اعلام قبلی به اعضا برای بانک مرکزی محفوظ است. اعضا نیز مکلفند ظرف مهلت تعیین شده نسبت به تطابق موارد اصلاح‌شده اقدام نمایند». این ماده بجای آنکه بانک مرکزی را مکلف به تغییر و به‌روزرسانی استانداردها

در خصوص نظارت بر اجرای استانداردهای فنی نیز این ضعف قانونی وجود دارد و در هیچ ماده‌ای این امر به عنوان تکلیف مرکز پایاپای ذکر نشده است بلکه بازهم این مقررات از «حق» مرکز پایاپای در این خصوص نام برده است. به عنوان مثال در ماده 45 مقررات مذکور آمده است: «در صورت بروز رخنه یا خرابکاری در سیستم‌های رایانه‌ای عضو یا تخطی از مقررات و دستورالعمل‌های فنی، مرکز شتاب می‌تواند از اعضا جریمه اخذ کرده، عضویت آن‌ها را به طور موقت معلق یا از ایشان سلب عضویت نماید». این ماده تکلیفی را که منطقی‌اً بر عهده مرکز پایاپای است از زمره تعهدات او خارج کرده و صرفاً آن را حق وی می‌شمارد. در نتیجه اگر یکی از بانک‌ها یا مؤسسات مالی عضو مرکز شتاب، استانداردهای فنی را رعایت نکرده یا به سامانه وی رخنه شود، لزوماً تعلیق یا سلب عضویت نمی‌شود بلکه این اختیار به مرکز پایاپای داده شده است که این مجازات را در خصوص وی اعمال کند یا از تخلف وی اغماض کند. روشن است حفظ ایمنی سامانه در بانکداری الکترونیکی امری بسیار ضروری است و فقدان آن موجب بروز خسارت به مشتریان می‌شود و این خلأ قانونی برای نظارت بر امنیت سامانه، قابل قبول نیست.

8- حدود مسئولیت مرکز پایاپای

همانطور که گفتیم بانک واسط و مرکز پایاپای در مقابل مشتری نوعی مسئولیت حرفه‌ای قانونی بر عهده دارند که هم مبتنی بر تعهد به نفع ثالث بوده و هم مبتنی بر تعهدات حرفه‌ای ناشی از مقررات بانکی است و در صورت نقض این تعهدات، این نهادها ملزم به جبران خسارت مشتری هستند؛ بنابراین مشتری حق اقامه دعوا علیه ایشان را دارد اما در این خصوص باید توجه داشت دایره مسئولیت مرکز پایاپای محدود به بخشی از عملیات از جمله پذیرش و تبادل پیام بانک‌ها و پایاپای کردن حساب تسویه بانک‌هاست که بر عهده اوست. در تراکنش الکترونیکی وجوه علاوه بر مرکز پایاپای، نهادهای دیگری از جمله بانک انتقال‌دهنده و بانک انتقال‌گیرنده نیز بخشی از عملیات را انجام می‌دهند و مرکز پایاپای در قبال اعمال ایشان مسئولیت ندارد. عملیات مرکز پایاپای با ارسال دستور پرداخت توسط بانک انتقال‌دهنده به

نماید از این امر به عنوان حق یاد کرده است.

این مرکز آغاز شده و با بستنکار کردن حساب تسویه بانک انتقال گیرنده پایان می‌پذیرد و همان‌گونه که در تبصره 26 موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) نیز آمده است، مرکز پایاپای در قبال واریز وجه به حساب ذینفع نهایی مسئولیتی ندارد. ماده 29 مقررات حاکم بر شتاب نیز مشابه همین حکم را ذکر کرده است. به همین جهت، به‌صرف وقوع تراکنش نادرست، مشتری نمی‌تواند از مرکز پایاپای مطالبه خسارت کند بلکه لازم است اثبات شود ورود خسارت مستند به عملیاتی است که توسط او انجام شده است.

با توجه به آنکه مسئولیت بانک واسط، نوعی مسئولیت محض است اگر این بانک اثبات نماید که خسارت ناشی از قوه قاهره است از جبران خسارت بری می‌شود. لازم به ذکر است خساراتی که مستند به نهادهای همکار از جمله ارائه‌دهنده خدمات مخابراتی است برای مرکز پایاپای در حکم قوه قاهره نیست زیرا راه‌هایی برای کنترل این اشخاص و احتراز از ورود ضرر وجود دارد؛ به‌عنوان مثال مرکز پایاپای می‌تواند «تائید دریافت» درخواست کند تا مطمئن شود که متصدی ارتباطات به وظیفه خود عمل کرده است؛ بنابراین امکان کنترل فعالیت وی وجود دارد و اگر این کار را انجام ندهد در حقیقت رعایت احتیاط حرفه‌ای را نکرده است. همچنین در حال حاضر روش‌های ایمنی برای تبادل اطلاعات وجود دارد که اگر پیام به‌طرف مقابل تحویل داده نشود مرکز پایاپای مطلع می‌شود؛ و اگر از این روش‌ها استفاده نکنند و خسارتی ایجاد شود، نمی‌تواند خود را از مسئولیت بری کند.¹

به‌علاوه در عصر حاضر، ارائه خدمات ارتباطی در انحصار عده خاصی نیست. رعایت احتیاط عرفی و حرفه‌ای اقتضا دارد که مرکز پایاپای متصدیان لایقی را برای خود برگزیده و از خدمات چندین متصدی ارتباطی مختلف استفاده کند تا در صورت عدم ارائه خدمات توسط یکی از ایشان، جایگزینی برای آن وجود داشته باشد² و همچنین باید از نرم‌افزارها و سخت‌افزارهایی استفاده کند که امنیت سامانه را به‌خوبی تضمین کند.

9- مسئولیت بانک مبدأ در قبال اقدامات مرکز پایاپای

بانک مبدأ بانکی است که صادرکننده دستور پرداخت، دستور پرداخت را خطاب به او

1. United Nations Commission on International Trade Law (UNCITRAL), op cit, p.63.

2. Ibid, p.48

صادر کرده و تراکنش را آغاز می‌کند. طبق ماده 19 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجه، در انتقال مستقیم وجه (انتقال اعتبار) بانک انتقال‌دهنده، بانک مبدأ است و تراکنش را آغاز می‌کند در حالی که در انتقال معکوس، بانک انتقال‌گیرنده آغازگر تراکنش بوده و پیامی را به بانک انتقال‌دهنده ارسال کرده و از او می‌خواهد که دستور پرداخت را انجام دهد. راهنمای آنسیترال در خصوص مسئولیت بانک مبدأ نظریه‌ای با عنوان «نظریه مسئولیت معاملاتی»¹ ارائه کرده است. به موجب این نظریه با توجه به اینکه بانک مبدأ با انعقاد دستور پرداخت که در حقیقت قرارداد بین بانک و مشتری است، انجام تراکنش را به‌طور صحیح برعهده گرفته است اگر نتواند به این نتیجه دست یابد در قبال مشتری مسئول است. برای ایجاد این مسئولیت کافی است که بانک صریحاً یا برحسب امارات عرفی و قانونی، انجام تراکنش را به‌صورت موفق قبول کرده باشد. اگر بانک برای رسیدن به این نتیجه از مشارکت اشخاص دیگری بهره‌مند شود یا برای انجام امور کسی را نایب خود قرار دهد مسئول اعمال او نیز هست.² بانک مبدأ برای انجام تراکنش از مشارکت یک مرکز پایاپای مثل شتاب، سحاب، پایا و ساتنا استفاده می‌کند پس اگر تراکنش ناموفق بوده و عدم انجام صحیح تراکنش، مستند به فعل مرکز پایاپایی باشد که با وی همکاری می‌کند، بانک مبدأ در مقابل مشتری مسئول جبران خسارت است.

مسئولیت معاملاتی شبیه مسئولیت اشخاص به‌صورت تعهد به نتیجه است که در قانون ایران، در مواردی مثل مسئولیت متصدی حمل و نقل پیش‌بینی شده است. به‌طور کلی این قاعده وجود دارد که هرگاه تکلیف به دست آوردن نتیجه‌ای بر عهده شخصی قرار گیرد به‌گونه‌ای که انجام ندادن تعهد به تنهایی برای او ضمان آور باشد، واگذار کردن اجرای آن تکلیف به شخص دیگر حتی اگر رابطه تبعیت نداشته و مستقل باشد از بار مسئولیت متعهد اصلی نمی‌کاهد و او همچنان مسئول است. اثبات اینکه عدم انجام تعهد ناشی از وقوع حادثه یا تقصیر شخص دیگر است نیز موجب رفع تکلیف از او نیست و تنها عاملی که می‌تواند موجب رفع مسئولیت شود اثبات قوه قاهره یا تقصیر زیان‌دیده است.³

1. Transaction Liability Approach.

2. United Commission in International Commerce Law (UNCITRAL), op cit, p.59.

3 کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین)، ج 4، (تهران: شرکت سهامی انتشار، چ 3، 1387)، ص 29.

10- جمع مسئولیت بین مراکز پایاپای و بانک مبدأ

همان‌طور که در بند قبل گفتیم مراکز پایاپای در مقابل مشتری مسئولیت حرفه‌ای داشته و در صورت استناد خسارت به عملیات وی، مشتری حق رجوع به وی را دارد. از طرفی، بانک مبدأ نیز در قبال اعمال بانک واسط و مراکز پایاپای مسئول است. از این‌رو، این سؤال مطرح می‌شود که مسئولیت مراکز پایاپای و مسئولیت بانک مبدأ در قبال اعمال او با یکدیگر چگونه جمع می‌شود.

در پاسخ باید گفت انتخاب با مشتری است که علیه کدامیک از این اشخاص، اقامه دعوا کند. اگر چه در غالب موارد، در صورت انجام تراکنش نامعتبر، مشتری نمی‌تواند اطمینان حاصل کند که خسارت، مستند به مراکز پایاپای بوده است یا در اثر اهمال اشخاص دیگری اتفاق افتاده است و برای مطالبه خسارت، باید اثبات کند که خسارت مستند به مراکز پایاپای بوده است؛ بنابراین اقامه دعوا علیه بانک مبدأ، راه‌حل معقول‌تری است زیرا دایره مسئولیت او وسیع‌تر است. اگر مشتری علیه بانک انتقال‌دهنده اقامه دعوا کند؛ این بانک، پس از جبران خسارت در مقابل مشتری، می‌تواند به بانک واسط یا مراکز پایاپای رجوع کرده و خسارت پرداختی را از وی مسترد کند.

نتیجه‌گیری

مراکز پایاپای نهادهایی هستند که عملیات انتقال و تسویه وجوه را بین بانک‌ها انجام می‌دهند. در کشور ما چندین مراکز پایاپای وجود دارد که شامل شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی (شتاب)، شبکه الکترونیکی پرداخت کارتی (شاپرک)، سامانه پایاپای الکترونیک (پایا)، سامانه حواله الکترونیکی بین بانکی (سحاب) و سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا) است. در مقررات موجود در نظام حقوقی ایران، نوع، مبنا و دایره مسئولیت مراکز پایاپای بیان نشده است اما با توجه به نقشی که این مراکز در انجام تراکنش دارد می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که مراکز پایاپای به‌عنوان یک صاحب حرفه و عرضه‌کننده خدمات در مقابل مشتری مسئولیت حرفه‌ای بر عهده دارد که هم مبتنی بر تعهدات قراردادی و هم مبتنی بر الزامات قانونی است و به آن «مسئولیت قانونی» اطلاق می‌شود. مسئولیت حرفه‌ای، مسئولیت

محض است و مرکز پایاپای در قبال کلیه خساراتی که مستند به عملیات اوست مسئول بوده و در قبال اعمال اشخاصی که برای انجام وظایف از مشارکت ایشان استفاده می‌کند از جمله متصدی خدمات ارتباطی مسئول است. تنها عاملی که می‌تواند موجب رفع مسئولیت از این مرکز شود اثبات قوه قاهره است.

با توجه به اینکه این مرکز فقط بخشی از عملیات تراکنش را بر عهده دارد، زیان‌دیده برای مطالبه خسارت باید اثبات کند که عدم انجام تراکنش یا وقوع تراکنش نامعتبر ناشی از آن بخش از عملیات است که بر عهده مرکز پایاپای است. البته بانک انتقال‌دهنده نیز با توجه به نظریه «مسئولیت معاملاتی» در قبال اعمال مرکز پایاپای مسئولیت دارد و مشتری می‌تواند به او نیز مراجعه کند.

مقررات ایران در خصوص مسئولیت این مراکز بسیار مجمل است و نه تنها نوع، مبنای دایره مسئولیت این مراکز بیان نشده بلکه حتی تکالیف وی نیز به صراحت و به طور کامل بیان نشده و ماده 42 دستورالعمل صدور دستور پرداخت و انتقال وجوه فقط برخی از تکالیف مرکز پایاپای را ذکر کرده است. مهم‌ترین وظایف این مرکز پذیرش و تبادل پیام بین بانک مبدأ و مقصد، پایاپای کردن حساب تسویه اعضا، ذخیره و نگهداری اطلاعات تراکنش، تدوین دستورالعمل‌ها و استانداردهای فنی و نظارت بر اجرای آن‌ها توسط اعضاست اما با توجه به نقص قانون، این تکالیف اخیر در مقررات ذکر نشده و مفاد موافقت‌نامه مراکز پایاپای از جمله شتاب، ساتنا و ... از آن‌ها با عنوان حق نام‌برده که لازم است این قاعده اصلاح شود.

منابع

فارسی

- بادینی، حسن فلسفه مسئولیت مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1384).
- باریکلو، علیرضا، مسئولیت مدنی، (میزان، 1387).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج 3، (انتشارات دراک، 1384).
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج 2، (انتشارات میزان، 1382).
- صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، (میزان، 1386).
- _____، رحیمی، حبیب‌الله، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، (سمت، 1393).
- عبدالهی، محبوبه، «تحلیل مسئولیت حقوقی بانک انتقال‌دهنده در تراکنش‌های الکترونیکی وجوه»، دانشنامه حقوق اقتصادی، ش 12 (1396).
- _____، دلیل الکترونیکی در نظام ادله اثبات دعوا، (خرسندی، 1391).
- غمامی، مجید، اشراقی آرانی، مجتبی، «فواید عملی و نظری تفکیک امر حکمی از امر موضوعی در دادرسی مدنی»، فصلنامه حقوق، دوره 40، ش 4 (1389).
- قهرمانی، نصراله، مسئولیت مدنی و کیل دادگستری، (نشر گندم، 1377).
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (عقود معین)، ج 4، چ 3، (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1387).
- _____، مسئولیت مدنی، ج 1، (انتشارات دانشگاه تهران، 1389).
- هاشمی، احمدعلی، «سیر تحولات نظری در مورد وحدت یا تعدد مسئولیت قراردادی و خارج از قرارداد در حقوق فرانسه»، رهنمون، ش 26 (1388). _____، دامنه مسئولیت مدنی، (انتشارات دانشگاه امام صادق، 1389).

English Sources

- Algudah, Fayyad, *The Liability of Banks in Electronic Fund Transfer Transactions*, Phd thesis, (University of Edinburgh, 1992).
- Arora, Alexander, *Electronic Banking and the law*, (London, IBC Financial Book, 2004).
- Felsenfel, Carl, "the Compability of UNCITRAL Model Law on International Credit Transfer with article 4A of the UCC", *Fordham law review*, vol.60, Issue 6, (2011).

- Pennington, Hudson, *Commercial Banking Law*, (England, Evans press, 1978).

Stockman, Rainer, "Liability of Intermediary and Beneficiary Bank in fund Transfer: a Comparative Study of American and German Law", *Berkeley Journal of International Law*, Vol.8.Issue2, (1991).

- United State Uniform Commercial Code, Article 4A, (2012). www.law.cornell.edu/ucc/4A.

United National Commission in International Trade Law (UNCITRAL), (1987), *UNCITRAL Legal Guide on Electronic funds Transfers*. www.uncitral.org/uncitral/en/publications.html. Last visit: 2018.

Wo, Lam Win, "fund transfer: a risk analysis", *Journal of International law*, vol: 16, (2004).